

تحلیل منظر کلان تاریخی شیراز براساس ترسیم‌های جهانگردان خارجی

محسن فیضی*

علی اسدپور**

چکیده

نگاه متن‌وار و ساختاری به منظر امکان تجزیه و تحلیل بصری مفاهیم و عناصر موجود در آن را در قالب یک پژوهش بصری ممکن می‌سازد. در این نوشتار از تصاویر تاریخی و راهبرد توصیف ثانویه با موردپژوهی اکتشافی در منظر استفاده شده و تحلیل‌ها در رویکردی استنتاجی به نتایج منتهی می‌شوند. همچنین می‌توان آن را نوعی تحقیق بصری نیز نامید که به تصویر به عنوان ابزار استخراج و استقراء می‌نگرد. از آنجا که هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌ها و اهمیت اجزای منظر کلان تاریخی شیراز در تصاویر سفرنامه‌هاست، لذا چهار تصویر از سیاحان خارجی (دلند، شاردن، نیبور و بروگشن) که واجد مشخصه‌های منظر کلان شهر (ترسیم‌شده در ترازوی بالاتر از سطح شهر) هستند، در بازه‌ای ۲۰۰ ساله انتخاب شده است.

فرضیه این پژوهش مبتنی بر امکان‌پذیری استخراج مفاهیمی عینی از تصاویر ترسیمی توسط جهانگردان است که تداوم و استمرار آن می‌تواند معرف ماهیت و چگونگی منظر کلان تاریخی شیراز باشد. از این روی هر تصویر به عناصر تشکیل‌دهنده (طبیعی (پایه و ثانویه) و انسان‌ساخت) و مشخصه‌ها (میزان جزئیات) تجزیه و مورد ارزیابی کیفی و کمی قرار گرفته است. درصد تفکیکی هر عنصر از تصویر محاسبه و میزان توجه به جزئیات نیز در طیفی سه ارزشی (زیاد، متوسط و ضعیف) تحلیل شده است.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مجموعه کوه‌های شمالی و جنوبی شهر و باغ‌های قرار گرفته در محور منتهی به دروازه قرآن، به ترتیب مهم‌ترین عناصر طبیعی منظر کلان شهر هستند که اغلب با جزئیات متوسط و زیاد ترسیم شده‌اند. مستحذات انسان‌ساخت مانند دروازه قرآن و بقعه علی بن حمزه (ع) نیز از مهم‌ترین عناصر غیر طبیعی منظر تاریخی شیراز به شمار می‌آیند. در نهایت رودخانه خشک، آخرین عنصر طبیعی منظر کلان شهر است که هرچند با جزئیات کم ترسیم شده ولی به عنوان یک عنصر کلیدی در تصاویر دیده می‌شود. شایسته است مدیریت شهری نسبت به حفظ این موارد جهت تداوم هویت منظر تاریخی شهر اهتمام جدی داشته باشد.

واژگان کلیدی

منظر کلان تاریخی، جهانگرد، پژوهش بصری، سفرنامه، شیراز.

*. دکتری معماری منظر. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۱۲۳۱۱۴۸

mfaizi@iust.ac.ir

** پژوهشگر دکتری معماری منظر دانشگاه علم و صنعت ایران.
asadpour@iust.ac.ir

مقدمه

مفهوم منظر کلان باشد، انتخاب شده است. سهم هریک از اجرای تصویر به تفکیک محاسبه شده و میزان جزییات ترسیم شده در آنها در طیفی ارزشی سنجیده شده است. داده‌های حاصل پس از طبقه‌بندی و رتبه‌بندی در رویکردی استنتاجی به نتیجه‌گیری منتهی می‌شود. به جزییات فرآیند تحقیق در بخش‌های مربوطه به تفصیل اشاره خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

• منظر به مثابه متن

منظر آن قسمت از محیط است که ما در آن ساکن بوده به واسطه ادراکمان آن را درک می‌کنیم (بل، ۱۳۸۲) و محدود به دانش و آگاهی مردم از مکان است (IEMA & LI, 2002). از آنجا که منظر تنها شامل پوشش‌های سبز نیست (Lindholm, 2011) ایده منظر، قطعه‌ای از زمین را با نمود آن یعنی چشم‌انداز ترکیب می‌کند. از این جهت تعامل میان ادراک محیط و رفتار به منظرسازی منتهی می‌شود (Antrop & Van Eetvelde, 2000). در یک دهه گذشته تلاش‌های جدیدی در تفسیر مجدد مفاهیم موجود در منظر در قالب جریان‌های پست‌مدرن صورت پذیرفته است. «جیمز دانکن» (۱۹۹۰) با وضع اصطلاح منظر به مثابه متن (منظر همچون وسیله‌ای ارتباطی که دارای کدگذاری و اطلاعات قابل ارسال است و به همین سبب قابلیت خواندن و تفسیر را همانند یک متن نوشتاری دارد) و «کوسگرو» (۱۹۹۸) با اصطلاح منظر به مثابه روش دیدن، به بسط نگرش‌های جدید کمک کرده‌اند (Makhzoumi, 2002). امروزه خواندن منظر به مثابه یک متن یا گفتار به یکی از ابزارهای ارزشمند در تفسیر محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت بدل شده است (Alon-Mozes, 2006). در این میان منظر شهری از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های پژوهشی است که با تعدد رویکردهای تخصصی مانند جغرافیا، جامعه‌شناسی، محیط زیست، معماران منظر و طراحان شهری مواجه شده است. استفاده از واژه «متن‌گویی» جهت تبیین رویکرد خوانش‌پذیری در منظر که توسط ویژگی‌های بصری و بازنمودی خود بروز پیدا می‌کند در پژوهش‌های معاصر دیده می‌شود (Terkenli, 2001). در این حالت منظر نه به مثابه یک مفهوم که به مانند یک ساختار در نظر گرفته می‌شود. نگاه متن‌وار و ساختاری به منظر امکان تجزیه و تحلیل بصری مفاهیم و عناصر موجود در منظر را در قالب یک پژوهش بصری ممکن می‌سازد. در این حالت منظر شهری را می‌توان بسته به مقیاس ارزیابی آن در سه سطح کلان، میانی و خرد مورد ارزیابی قرار داد. مقیاس کلان در منظر شهری در سه دسته شامل کل شهر، بخش عمده‌ای از شهر^۲ و هاله شهری^۳ قابل بررسی است (محمودی، ۱۳۸۵). منظر شهری در مقیاس کلان و در نگاه معماران منظر هنگامی مطرح می‌شود که ناظر به واسطه حضور

قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از شیراز شامل تصاویری است که توسط سیاحان خارجی از شهر ترسیم شده است. قرارگیری شیراز در مسیر شریان‌های ارتباطی شمال به جنوب که شهرهای حاشیه خلیج فارس را به اصفهان صفوی و تهران قاجاری پیوند می‌داده است و همچنین وجود ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی متعدد، سبب توجه سیاحان خارجی به این شهر شده است. از این جهت تصاویر متعددی از شیراز و بناهای آن موجود است. با این حال تاکنون تعداد معدودی تصویر که واجد مؤلفه‌های منظر کلان شهر باشند در دسترس قرار گرفته است. این تصاویر از ارتفاعات شمالی شهر و از تنگ الله اکبر ترسیم شده‌اند. کوه‌های شمالی شیراز به سبب ماهیت توپولوژیک خود محل مناسبی برای عزلت‌نشینی عرفا و شاعران و تفرج مردم شیراز در گذشته بوده و امروزه نیز به عنوان مهم‌ترین محور ورودی شهر از شمال کشور تلقی می‌شود که واجد کیفیت‌های متعدد فرهنگی و منظرین است.

فرضیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که براساس تحلیل کیفی و کمی تصاویر تاریخی ترسیم‌شده توسط جهانگردان خارجی در سده‌های اخیر می‌توان به وجوه مشترکی از بازنمایی منظر کلان شیراز در طول تاریخ رسید به نحوی که این مؤلفه‌ها در جمع منظر تاریخی شیراز را رقم خواهند زد. نوشتار حاضر می‌کوشد با ارایه روش‌شناسی خاص خود مبتنی بر ایده «خوانش منظر» به این پرسش‌ها پاسخ گوید: ۱- منظر تاریخی شیراز در مقیاس کلان شامل چه مؤلفه‌هایی است؟، ۲- سیر تحول تاریخی منظر شهر چه بوده است؟ و ۳- کدام مؤلفه در منظر تاریخی شیراز اولویت و اهمیت بیشتری نسبت به سایر موارد داشته و حفظ آن ضرورت دارد؟

روش و فرایند تحقیق

در این نوشتار از راهبرد ترکیبی استفاده شده است. راهبرد «توصیف ثانویه» با تأکید بر مورد پژوهی اکتشافی راهبرد اصلی پژوهش حاضر است. مقصود از «توصیف ثانویه»، بهره‌گیری از شواهدی است که توسط محقق تولید نشده‌اند و در کل شامل آرشیو اسناد و نقشه‌ها، گزارش‌های رسانه‌ها و پژوهش‌های پیشین است (Deming & Swaffield, 2011). در این حالت داده‌های لازم شناسایی، طبقه‌بندی و رتبه‌بندی می‌شود و بدین ترتیب امکان قیاس و تفسیر آنها میسر خواهد بود. از آنجا که منبع اصلی این پژوهش مبتنی بر تصاویر تاریخی برجای مانده در سفرنامه‌هاست، از راهبردهای تفسیری - تاریخی نیز در کلیات تحقیق بهره گرفته شده است. همچنین مبانی نظری لازم جهت بررسی تصاویر ترسیمی به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای تبیین و حدود آن تعریف شده است. از میان تمام تصاویری که از شیراز در سفرنامه‌ها وجود دارد تنها نمونه‌های مورد نیاز که منطبق با

فرایندی است که طراح آنها به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه طی کرده است. در این فرایند آگاهانه، نقاط کانونی تصویر، عناصر مورد تأکید، پهنه منظر، خط آسمان، نمادها و نشانه‌ها، تجمع عناصر طبیعی و انسان‌ساخت و گستره بصری و پانورامای آن قابل بررسی است. بی شک وجود هریک از این عناصر در تصویر به معنای رجحان آن بر دیگر عناصر بصری موجود در واقعیت بستر منظر شهری خواهد بود و میزان توجه به جزئیات در ترسیم و یا حتی اغراق در ابعاد و تناسبات آنها نشانگر ارزش و اهمیت آن عناصر نزد طراح است. بخش دیگری از فرایند خوانش این ترسیم‌ها با رویکردی توپولوژیک (موضع‌شناسانه) ممکن خواهد بود. موضع‌شناسی به بررسی ویژگی‌های هندسی و ارتباطات فضایی بدون توجه به تأثیرات جزئی و سطحی در شکل و اندازه کالدها می‌پردازد و به وسیله آن اجزای تشکیل‌دهنده یک کل به یکدیگر مرتبط یا به نحوی چیدمان می‌شوند.^{۱۰} از سوی دیگر فرایند بازخوانی واجد کیفیتی گزینشی نیز است. همچنان که فرایند ترسیم در نگرشی گزینشی روی می‌دهد، دریافت‌های مفسر نیز از دیدن هر تصویر مبتنی بر نوعی نگرش گزینشی است (Tok, Kaplan, & Taneli, 2010). گزینش به معنای وجود برخی موانع ادراکی است که از آن به عنوان فیلترهای نگرشی در فرایند ادراک یاد می‌شود (Nowak, 2003) و تحت تأثیر عوامل فردی و حتی فرهنگی است. اما این موضوع به معنای نامعتبربودن تفسیر و جانب‌داری در گزینش نیست. در این نوشتار به خوانش به مثابه فرایند «تفسیر و استخراج» نگریسته می‌شود که با پیچیدگی همراه بوده و شامل لایه‌های متعدد معنایی در دو حوزه کیفی و کمی است.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته به وسیله تصاویر و اسکیس‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از متخصصان محیطی از اسکیس و ترسیم‌های دستی در عینیت‌بخشی به یافته‌های خود از محیط شهری استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه «گوردون کالن» (۱۹۶۱) در کتاب خود به نام «منظر شهری»^{۱۱}، مجموعه‌ای کامل از درک زیباشناختی و تصویری از محیط‌های شهری را ارائه داده است (کالن، ۱۳۸۲). «کوبن لینچ» (۱۹۶۰) از ترسیم‌های غیر تخصصی شهروندان در سه شهر آمریکا و مقایسه آنها با یکدیگر به عناصر پنج‌گانه تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی شهر پی‌برد (Lynch, 1960). همچنین «فرانسیس تیبالدز» (۲۰۰۱) نیز از تکنیک کروکی در تبیین ویژگی‌های یک شهر مطلوب انسان‌محور بهره برده است (تیبالدز، ۱۳۸۵). در معماری منظر، «کولینز» (۱۹۶۵) با استفاده از ادبیات مکتوب و تصاویر ترسیم‌شده از منظر نیوزلند توانست عناصر منظرین این کشور در گذشته را شناسایی و از نظر زمین‌شناسی بررسی کند (Collins, 1965). «مک لولگین» در پژوهشی مشابه، با مطالعه

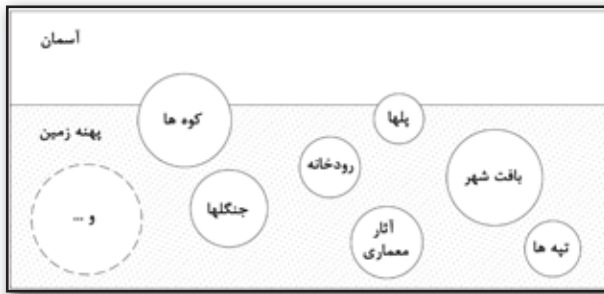
در مکانی خاص، کل شهر و یا بخش وسیعی از آن را مشاهده می‌کند. از این جنبه، منظر شهری در رابطه با ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی شهر قرار می‌گیرد (محملی ایبانه، ۱۳۹۰). اهمیت آن از آنجا بیشتر می‌شود که کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش این متن را فراهم می‌آورد (گلکار، ۱۳۸۵). این پژوهش، منظر شهری را در مقیاس کلان و در سطح بخش عمده شهر بررسی می‌کند. در این حالت ناظر در ارتفاع بالاتری از سطح شهر و در خارج یا داخل شهر بر فراز عوارض طبیعی و یا مصنوعی قرار داشته و در نتیجه منظر شامل پیش‌زمینه^{۱۲}، میان‌زمینه^{۱۳} و پس‌زمینه^{۱۴} خواهد بود. بدین ترتیب بستر طبیعی به صورت حجم، پهنه شهری به صورت سطح، مسیرها و لبه‌های مهم شهری به مثابه خطوط دیده می‌شوند (مثنوی، ۱۳۸۷ و ذکاوت، ۱۳۸۵).

ترسیم‌های دستی و فرایند خوانش آنها

دست‌نگاره‌ها (اسکیس و کروکی) از جمله اسناد تصویری مهم و باارزش در معماری منظر و پژوهش‌های تاریخی هستند. هرچند گسترش تکنولوژی امکان تهیه عکس‌های دقیق از موضوعات منظر شهری را میسر ساخته است اما عکس‌ها در کل فاقد بسیاری مشخصه‌های مفید یک دست‌نگاره هستند. از آنجا که یک اسکیس، دریافت‌های طراح را از موضوع نشان می‌دهد، طراح می‌تواند به بخش‌های خاصی از آن بیشتر اهمیت داده و بر آن تأکید کند (لازئو، ۱۳۷۷). به بیان دیگر این قبیل ترسیم‌ها نشان‌دهنده تجربه فرد از یک محیط هستند (لوکار، ۱۳۸۷) و حجم فراوانی از اطلاعات را در یک وضعیت کلان و انباشته شامل اطلاعات ضمنی به وسیله مقدار کمی اطلاعات صوری و آشکار خلاصه می‌کنند (کلد، ۱۳۷۹).

روش‌های مختلف ثبت این دریافت‌های فردی تحت تأثیر محدودیت‌های خاص ناشی از میزان دانش منظر در طراحان قابل بررسی است (Brand, 2004). «مارتینز» با بررسی نقش اسکیس‌های منظر در انتقال اطلاعات، دو گونه مختلف شامل «اسکیس حافظه‌ای»^{۱۵} و «اسکیس چشمی»^{۱۶} را شناسایی کرده است (Martins, 1999) که به معنای ترسیم مستقیم از موضوع و یا ترسیم مبتنی بر خاطراتی است که از مواجهه با منظر در ذهن باقی مانده است. اسکیس‌ها همچنین ویژگی‌های فضایی و زیباشناختی بستر و قرارگاه مورد بررسی را نشان داده و تراکم خطوط و میزان جزئیات موجود در تصویر به بیننده، سطوح متعددی را که از اسکیس قابل خواندن است، گوشزد می‌کند (Brand, 2004). وجود چنین طرح‌هایی مانع از نابودی بسیاری از اطلاعات بصری در چارچوبی عملی شده است که امروزه به واسطه آنها قادر به مطالعه منظر و فرهنگ شهری در طول تاریخ خواهیم بود (Ibid).

خوانش تصاویر و کروکی‌های تاریخی در واقع جهت عکس



تصویر ۱. مدل گرافیکی عناصر تشکیل دهنده منظر کلان شهر. مأخذ: نگارندگان.
Fig. 1. graphical model of Shiraz large-scale landscape components.
Source: Authors. Source: Authors.

تصاویر تاریخی موجود از شیراز در سفرنامه‌ها

کهن‌ترین تصویر موجود از شیراز، تصویری است متعلق به «آندره دولیه دلدن»^{۱۲} به سال ۱۶۶۴ میلادی (۱۰۷۵ ه.ق) که از محور شمالی شهر از تنگ الله‌اکبر آغاز و به پل رودخانه خشک منتهی می‌شود و نشان‌دهنده انبوهی از درختان سرو در هم تنیده است. «شاردن»^{۱۳} فرانسوی، دیگر سیاح خارجی است که در سال ۱۶۷۴ میلادی (۱۰۸۵ ه.ق) از شیراز دیدن کرده و در تصویر خود ضمن اشاره به انبوهی از درختان در پیرامون محور شمالی به باغ‌های هفت تنان و چهل تنان نیز اشاره دارد. «کرنلیس د بروین»^{۱۴} جهانگرد مشهور هلندی نیز در سال ۱۷۰۴ میلادی (۱۱۱۶ ه.ق) راهی شیراز شده و در تصویری ضمن اشاره به دروازه قرآن و مسیر مستقیم منتهی به شهر مجموعه باغ‌های اطراف این محور را مورد توجه قرار می‌دهد. «نیبور»^{۱۵} که در سال ۱۷۶۵ میلادی (۱۱۷۸ ه.ق) به شیراز سفر کرده نیز تصویری از این بخش از شیراز ترسیم کرده است. در تصویر او که پس از زمامداری صفویه ترسیم شده، دیگر از آن سرسبزی نشانی نیست (اسدپور، ۱۳۸۶ و صداقت کیش، ۱۳۸۳). این موضوع به سبب اتفاقاتی است که پس از سقوط صفویه تا روی کار آمدن زندیه در شیراز رخ داده است. به عنوان مثال شیراز در سال ۱۱۳۶ ه.ق به دست سرداران محمود افغان افتاد و یا در سال ۱۱۵۷ ه.ق به وسیله سرداران اعزامی از سوی نادرشاه افشار محاصره و باغ‌ها و درختان میوه بیرون از شهر همه از بین رفتند (سامی، ۱۳۶۳). آخرین تصویر موجود از شیراز نیز در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۳۹ ه.ق) توسط «هنریش بروگشن»^{۱۶} ترسیم شده است. این اثر نیز از سمت شمال و تنگ الله‌اکبر ترسیم شده که دروازه قرآن در آن وجود ندارد. درست مقابل تنگ، خیابانی است که در دو سوی آن باغ‌هایی با درختان سرو دیده می‌شود (اسدپور، ۱۳۸۶). چهار تصویر مورد اشاره در بازه زمانی تقریباً ۲۰۰ ساله ترسیم شده‌اند به نحوی که سه تصویر نخست تقریباً در طول یک قرن و تصویر آخر نیز در حدود یک قرن بعد ترسیم شده است. از آنجا که این تصاویر توسط چهار جهانگرد خارجی در چهار زمان مختلف ایجاد شده‌اند، امکان پژوهش در منظر کلان شیراز را فراهم

نقاشی‌های موجود از استرالیا طی سال‌های ۱۷۸۸ تا اوایل دهه ۱۸۵۰ میلادی انواع و مشخصات پوشش‌های آن روزگار استرالیا را شناسایی کرد (McLoughlin, 1999). «برند» نیز با بررسی کروکی‌ها و نقاشی‌های دو هنرمند قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی به ویژگی‌های تاریخی و تأثیر روش‌های شهرسازی انگلستان در ساختار شهرهای نیوزلند و استرالیا در مطالعه‌ای تطبیقی پرداخته است (Brand, 2004). «اون» نیز با بررسی کروکی و تعدادی عکس از شهرک‌های واقع شده در تپه‌های انگلستان موفق شد ویژگی‌های نمودی و ظاهری این قبیل شهرک‌ها را در منظر، شناسایی و با نمونه ایتالیایی آنها مقایسه کند (Owen, 2003). «دورا» در مقاله‌ای به بررسی شیوه انتقال بازنمودهای بصری منظر در زمان و مکان - از یک مکان به مکان دیگر بر اثر حمل و نقل - پرداخته است. وی با استفاده از نقاشی‌ها، اسکیس‌ها و سایر اشیاء حامل تصاویر منظر، این شیوه تحلیل غیر نوشتاری را در اروپا به بحث گذاشته است (Dora, 2009). «یودا» و همکاران با بررسی ۳۲۵ ترسیم دستی که توسط شرکت‌کنندگانی از روسیه و ژاپن ترسیم شده بودند به الگوهای متنوع فهم مردم این دو کشور از منظر جنگل‌ها پی بردند (Ueda, et al., 2012).

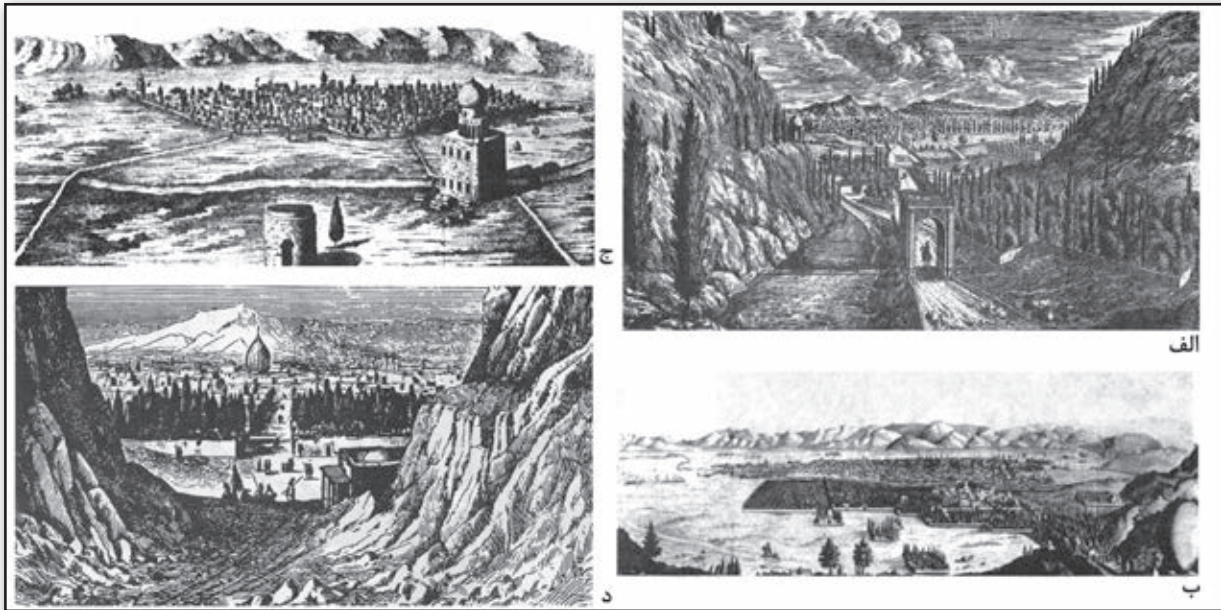
عناصر و مؤلفه‌های ارزیابی بصری منظر کلان شهر در تصاویر

به طور کلی مؤلفه‌های متعدد کمی و کیفی در ارزیابی بصری منظر قابل طبقه‌بندی هستند. این تعدد نه به معنای غنای آنها که به سبب فقدان استانداردهای کافی در ارزیابی است (Terkenli, 2001). بررسی تصاویر تاریخی از منظر شهری نیازمند مؤلفه‌هایی برای ارزیابی است که با ماهیت ترسیمی و گزینشی آنها هماهنگ بوده و در عین حال امکان مقایسه هر تصویر را با دیگر تصاویر مشابه میسر سازد. به طور کلی تصاویر موجود از منظر کلان شهری شامل عناصر (طبیعی و مصنوع) و مشخصه‌ها هستند. عناصر طبیعی در تصاویر ترسیم‌شده را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد؛ گروه نخست شامل عناصر پایه (اولیه) بوده که شامل پهنه آسمان و سطح زمین است. این دو، بخش‌های پایه هر تصویری بوده و سایر عناصر طبیعی ثانویه مانند کوه‌ها، درختان و پوشش‌های سبز، رودخانه‌ها و سایر عوامل توپولوژیک، حد فاصل آنها به وجود می‌آیند. عناصر طبیعی پایه همچنین بستر حضور عناصر انسان‌ساخت را نیز فراهم می‌آورند. از آنجا که میزان توجه طراح به هر یک از عناصر منظر در قالب مکان قرارگیری و درصد اشغال آن عنصر در کلیت تصویر قابل بررسی است، تعیین درصد کمی هر یک از عناصر در هر تصویر امکان مقایسه و رتبه‌بندی آنها را میسر می‌دارد. مشخصه‌های هر یک از عناصر تصویر نیز در رویکردی توصیفی قابل مطالعه بوده و میزان جزئیات هر عنصر نیز در طیفی ارزشی از زیاد تا کم قابل ارزیابی است. تصویر ۱ مدل گرافیکی عناصر منظر کلان در پژوهش بصری را نشان می‌دهد.

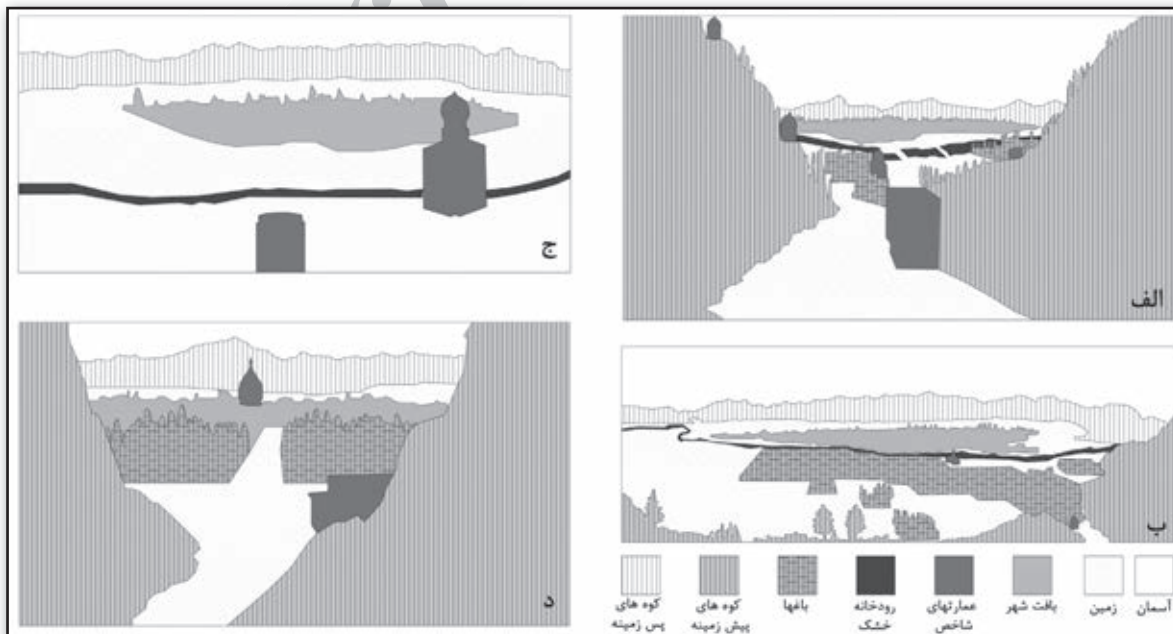
عناصر تشکیل دهنده منظر کلان تاریخی شیراز

تصویر ۳، تجزیه و دسته‌بندی عناصر منظر موجود در تصاویر ترسیم شده از شیراز توسط جهانگردان خارجی را نشان می‌دهد. این تصاویر به ۸ عنصر شامل آسمان، پهنه زمین، بافت شهر، رودخانه، درختان و باغ‌ها، کوه‌های پیش‌زمینه و پس‌زمینه و

آورده و با ارزیابی آنها می‌توان مؤلفه‌های تاریخی شکل‌دهنده به منظر کلان شهر در گذشته را به خوبی شناسایی و تعریف کرد. به عبارت دیگر عناصر مشترک و حجم توجهات این جهانگردان به عناصر منظر شهر به معنای تداوم این عناصر در طول تاریخ و در نتیجه اعتبار آنها تلقی می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲. منظر کلان شیراز در سفرنامه‌ها، الف) دلند (۱۶۶۴ م)، ب) شاردن (۱۶۷۴ م)، ج) نیبور (۱۷۶۵ م)، بروگشن (۱۸۶۰ م). مأخذ: صداقت کیش، ۱۳۸۸ و شاردن، ۱۳۷۲.
 Fig.2. Shiraz large-scale historical landscape in itineraries of (a) Dealandes (1664), (b) Charden (1674), (c) Niebuhr (1765), and (d) Brugsch (1860).
 Source: Sedaghadkish, 2010; Charden, 1994.



تصویر ۳. تحلیل گرافیکی عناصر منظر کلان شیراز در تصاویر سفرنامه‌ها، الف) دلند (۱۶۶۴ م)، ب) شاردن (۱۶۷۴ م)، ج) نیبور (۱۷۶۵ م)، بروگشن (۱۸۶۰ م). مأخذ: نگارندگان.
 Fig.3. graphical analyses of Shiraz large-scale historical landscape in itineraries of (a) Dealandes (1664), (b) Charden (1674), (c) Niebuhr (1765), and (d) Brugsch (1860). Source: Authors. Source: Authors.

برمی‌آید، در تصاویر ترسیمی برخی عناصر، بیشترین میزان اهمیت و وسعت را به خود اختصاص داده‌اند. این موارد به ترتیب عبارت است از :

- تصویر الف (دلند) : ۱. کوه‌های پیش‌زمینه، ۲. عمارت‌های شاخص، ۳. کوه‌های پس‌زمینه.
- تصویر ب (شاردن) : ۱. کوه‌های پیش‌زمینه، ۲. باغ‌ها، ۳. کوه‌های پس‌زمینه.
- تصویر ج (نیبور) : ۱. کوه‌های پس‌زمینه، ۲. بافت شهر، ۳. عمارت‌های شاخص.
- تصویر د (بروگشن) : ۱. کوه‌های پیش‌زمینه، ۲. باغ‌ها، ۳. کوه‌های پس‌زمینه.

به طور کلی کوه‌ها نقش کلیدی در خلق منظر کلان شیراز در نمونه‌های مورد بررسی داشته‌اند به نحوی که کوه‌های پیش‌زمینه مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده منظر کلان شیراز محسوب شده و در ۳ تصویر (دلند، شاردن و بروگشن) همواره در اولویت قرار

عمارت‌های شاخص معماری تقسیم شده‌اند. مساحت هریک نیز محاسبه و درصد اشغال آنها نسبت به کل تصویر معین شده و در جدول ۱ به تفصیل ارایه شده است. از آنجا که پهنه آسمان و سطح زمین دو عنصر حیاتی و لاینفک در منظر کلان تلقی می‌شوند، رتبه‌بندی عناصر موجود در هر تصویر در میان عناصر طبیعی ثانویه و عناصر انسان‌ساخت بررسی شده و ۳ رتبه نخست به ترتیب با رنگ‌های تیره به روشن در جدول معین شده‌اند. میانگین هریک از عناصر نیز در میان چهار تصویر مورد مطالعه محاسبه و در انتهای جدول ۱ لحاظ شده است.

بررسی میزان جزییات ترسیمی هریک از عناصر نیز در جدول ۲ در قالب یک طیف ارزشی سه تایی (زیاد، متوسط و کم) به تفکیک آورده شده است.

بحث و تحلیل یافته‌ها

همان‌طور که از تحلیل گرافیکی و درصد‌های مورد محاسبه

جدول ۱. درصد تفکیکی عناصر تشکیل‌دهنده منظر کلان شیراز به تفکیک هر تصویر. مأخذ: نگارندگان.

Table1. percentage of Shiraz large-scale historical landscape components for each image. Source: Authors. Source: Authors.

شماره تصویر	نام طراح	تاریخ ترسیم	عناصر (درصد هر مورد به کل تصویر)							
			طبیعی پایه (اولیه)		طبیعی ثانویه		انسان ساخت			
			پهنه آسمان	سطح زمین	کوه‌های پس زمینه	رودخانه خشک	باغ‌ها	کوه‌های پیش زمینه و پوشش‌های طبیعی آن	بافت شهر	عمارت‌های شاخص
تصویر (الف)	دلند	۱۶۶۴م.	۱۸/۶۳	۱۴/۵۷	۲/۵۹	۱/۰۶	۱/۷۸	۵۶/۳۳	۲/۲۱	۲/۹۳
تصویر (ب)	شاردن	۱۶۷۴م.	۲۸/۵۲	۲۸/۳۰	۱۰/۸۰	۱/۴۶	۱۲/۴۶	۱۳/۲۴	۵/۰۲	۰/۲۰
تصویر (ج)	نیبور	۱۷۶۵م.	۱۳/۶۵	۵۴/۶۲	۱۲/۹۸	۲/۸۰	۰	۰	۱۰/۰۷	۵/۸۸
تصویر (د)	بروگشن	۱۸۶۰م.	۷/۵۵	۱۳/۶۷	۷/۷۰	۰	۸/۸۵	۵۵/۷	۵/۳۳	۱/۲۰
میانگین			۱۷/۰۹	۲۷/۷۹	۸/۵۲	۱/۳۳	۵/۷۷	۳۱/۲۹	۵/۶۶	۲/۵۵

جدول ۲. مشخصه‌ها و کیفیت جزئیات در منظر کلان شیراز به تفکیک هر تصویر. مأخذ: نگارندگان.

Table2. components & details quality of in each image of Shiraz large-scale historical landscape. Source: Authors. Source: Authors.

شماره تصویر	نام طراح	تاریخ ترسیم	عناصر													
			طبیعی پایه (اولیه)		طبیعی ثانویه				انسان ساخت							
			پهنه آسمان	سطح زمین	کوه‌های پس زمینه	رودخانه خشک	باغ‌ها و سایر پوشش‌های سبز	کوه‌های پیش زمینه	بافت شهر	عمارت‌های شاخص						
تصویر (الف)	دلند	۱۶۶۴م.	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■
تصویر (ب)	شاردن	۱۶۷۴م.	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■
تصویر (ج)	نیبور	۱۷۶۵م.	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■
تصویر (د)	بروگشن	۱۸۶۰م.	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■

هستند. مجموعه باغ‌های مشاهده‌شده در تصاویر از نظر وسعت، سومین درصد از سطح کل تصاویر را به خود اختصاص داده و اغلب با جزییات فراوانی ترسیم نشده‌اند مگر اینکه در پیش‌زمینه واقع باشند. این باغ‌ها در دو طرف خیابانی دارای عملکرد شبیه چهارباغ اصفهان، چیده شده و در سفرنامه‌ها به ویژه سفرنامه شاردن، توصیف مفصلی از آنها وجود دارد. محور مذکور از تنگ الله‌اکبر آغاز و به پل رودخانه خشک منتهی می‌شده و ابعاد آن حدوداً ۹۰۰ در ۴۰ متر بوده است (اسدپور، ۱۳۸۶). علاوه بر این باغ‌ها، دو باغ مزار هفت تنان و چهل تنان نیز در تصاویر شاردن مشخص است. از این مجموعه تنها باغ جهان‌نما و باغ‌مزارهای یادشده باقی مانده‌اند.

از عمارت‌ها و عناصر معماری که وسعت اندکی از تصویر را به واسطه ابعاد فیزیکی به خود اختصاص داده‌اند می‌توان به سه بنای کلیدی شهر یعنی دروازه قرآن، گهواره دید و بقعه علی بن حمزه (ع) اشاره داشت. از آنجا که در گذشته هیچ مسجدی در شیراز گنبدخانه نداشته است، گنبد این بقعه تقریباً هزار ساله به نشانه شهر در همه تصاویر ترسیم شده از منظر شیراز بدل شده است (اسدپور، ۱۳۸۸). این عمارت در کنار رودخانه خشک قرار دارد که در تصاویر دلند، شاردن و نیبور از غرب به شرق شهر ترسیم شده است و از آن می‌توان به عنوان آخرین عنصر کلیدی منظر کلان در تصاویر جهانگردان یاد کرد.

دارند. همچنین کوه‌های پس‌زمینه نیز در تمامی تصاویر، مورد اشاره دیده می‌شوند. از نظر توجه به جزییات در طراحی، کوه‌های پیش‌زمینه همواره دارای جزییات متوسط و زیاد بوده‌اند. این در حالی است که کوه‌های واقع در پس‌زمینه شهر با جزییات متوسط و ضعیف ترسیم شده‌اند. این موضوع با توجه به اصول طراحی که توجه به جزییات را در اشیاء نزدیک‌تر به ناظر لازم می‌داند، بدیهی به نظر می‌رسد. اما دلایل دیگری نیز در این امر وجود دارد؛ به لحاظ تاریخی رشته کوه‌های شمالی شیراز که در تصویر اغلب سیاحان خارجی به عنوان پیش‌زمینه ترسیم شده‌اند، دارای سه رشته کوه مجزا بوده که هر یک به نامی خوانده می‌شوند؛ قسمت غربی به واسطه وجود تکیه باباکوهی به همین نام خوانده شده و قسمت مرکزی که اغلب مرکز توجه همه سیاحان است به نام‌های چهل مقام و یا کوه چاه مرتاض علی و یا کوه رحمت معروف است. در این محدوده بسیاری آثار فرهنگی و تاریخی مانند گهواره دید، آرامگاه خواجه کرمانی، چاه مرتاض علی و عمارت هفت‌تنان و تخت ضرابی واقع است (اسدپور و جاودانی، ۱۳۹۱). کوه‌های پس‌زمین نیز بخشی از رشته کوه است که به جبل‌الدراک (کوه دراک) معروف بوده و از رشته کوه‌های شمالی شهر مرتفع‌تر است. توجه جهانگردان به این بخش از تصویر منظرین شهر از این حیث نیز حایز اهمیت است. باغ‌های موجود در تصاویر، دیگر عنصر مهم منظر کلان شهر

نتیجه‌گیری

مطالعه منظر نه به مثابه یک مفهوم بلکه همچون یک ساختار امکان تجزیه و تحلیل‌های جدیدی را در قالب پژوهشی بصری ممکن می‌سازد. ماهیت غیر واقع‌گرایانه نقاشی ایرانی امکان برخی تحلیل‌های دقیق در حوزه منظر کلان را ناممکن ساخته است. لذا تا پیش از ورود دوربین عکاسی به کشور، اسکیس‌ها و طرح‌های سیاحان خارجی که به ویژه در دوره صفوی و قاجاریه به تهیه نقشه‌ها و تصاویر نسبتاً عینی از شهرهای ایران پرداخته‌اند، می‌تواند به عنوان منبع اولیه مناسبی برای پژوهش در منظر تاریخی شهرهای کشور مورد استفاده قرار گیرد. بررسی تصاویر ترسیم شده از منظر کلان شیراز توسط چهار جهانگرد خارجی (دلند، شاردن، نیبور و بروگشن) که در بازه زمانی ۲۰۰ ساله ترسیم شده یکی از منابع ارزشمندی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تصاویر به عناصر تشکیل‌دهنده تقسیم و درصد سهم تفکیکی و میانگین‌نهایی آنها محاسبه شد. همچنین میزان توجه به جزییات در سه طیف زیاد، متوسط و کم در هر عنصر مشخص شد.

بر این اساس، کوه‌های پیش‌زمینه و تنگ الله اکبر (میانگین = ۳۱/۲ درصد) و کوه‌های پس‌زمینه (کوه دراک) (میانگین = ۸/۵ درصد) مهم‌ترین عنصر منظر کلان شیراز در طول تاریخ بوده‌اند. درختان و پوشش‌های سبز موجود در باغ‌های تاریخی واقع شده در محور ورودی شیراز (میانگین = ۵/۷ درصد) از شمال (اصفهان و استخر) دیگر عنصر کلیدی منظر کلان شیراز است که متأسفانه بخش‌های فراوانی از آنها تخریب و دستخوش تغییرات اساسی شده است. بناهایی مانند دروازه قرآن و بقعه علی بن حمزه (ع) را می‌توان مهم‌ترین عنصر انسان‌ساخت در منظر تاریخی شهر دانست. رودخانه خشک نیز دیگر عنصر طبیعی است که در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد. بررسی ترسیم‌های جهانگردان و مستندات تاریخی اوضاع سیاسی و طبیعی شیراز با یکدیگر منطبق بوده و جریان تغییرات منظر کلان شهر را نشان می‌دهد. از این روی، منظر تاریخی شیراز دارای استمراری چند صد ساله بوده است. لذا هرگونه مداخله در کریدور راهبردی شمالی شهر (مانند احداث هتل بزرگ شیراز و سایر ساختمان‌های مرتفع) و مداخلات نامناسب در کوه‌های شمالی شهر می‌تواند این منظر کلان تاریخی را مخدوش و در نهایت حذف کند. هرچند این بخش از شهر نیازمند توجه حقوقی است اما عدم کنترل رشد عمودی ساختمان‌ها در نیمه جنوبی و جنوب شرقی می‌تواند به اغتشاشات بصری کوه‌های دراک (پس‌زمینه) منتهی شود. این مورد به ویژه در سطح منظر میانی و خرد اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. اصولاً کوه‌های شیراز به جز بخش شمالی به سبب نداشتن تأثیرات بصری

شاخص مانند پوشش‌های طبیعی انبوه، مورد توجه نیستند. اما برخی ناهمواری‌های آنها در ادبیات عامیانه و حتی مکتوب دارای اسامی جالب توجهی هستند (مانند کوه استثقاء که همچون انسان به پشت خوابیده است). رودخانه خشک نیز به عنوان آخرین عنصر طبیعی در منظر کلان شهر از این قاعده مستثنی نیست که مداخلات نامناسب فراوانی را در سال‌های اخیر شاهد بوده است. لذا بی‌توجهی نسبت به عناصر منظرین شیراز یعنی کوه‌ها، باغ‌ها، رودخانه و همچنین دو عنصر کالبدی (دروازه قرآن و علی بن حمزه (ع)) باعث تخریب منظر کلان تاریخی شکل گرفته در طی قرن‌ها خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Textual / ۲. Huge / ۳. Large / ۴. Silhouette / ۵. جلوترین بخش یک منظره نسبت به ناظر است که در آن جزئیات اجزای منفرد مانند گیاهان، سنگ‌ها، بافت‌ها و ... قابل مشاهده‌اند. فاصله پیش‌زمینه و ناظر ۵/۰ کیلومتر است. ۶. بخشی از منظره است که در حدفاصل پیش‌زمینه و پس‌زمینه قرار دارد و به طور معمول فاصله آن تا ناظر بین یک تا شش کیلومتر است. در میان زمینه شکل و اندام‌ها دیده می‌شوند، اما جزئیات وضوح ندارند. ۷. بخشی از ترکیب منظر است که در فاصله دورتری نسبت به ناظر قرار می‌گیرد. این فاصله بین ۵ تا ۸ کیلومتر است؛ در این فاصله جزئیات دیده نمی‌شوند و فقط بافت و رنگ بر ادراک ناظر اثر می‌گذارد. ۸. memorial sketch / ۹. eye sketch
۱۰. Oxford Dictionary, 2000 / ۱۱. Townscape / ۱۲. Jean Charden / ۱۳. Andre Daulier- Dealandes / ۱۴. Cornelis de Bruyn / ۱۵. Niebuhr / ۱۶. H. Brugsch

فهرست منابع

- اسدپور، علی. ۱۳۸۶. بازشناسی محورهای چهار باغ شیراز. فصلنامه گزارش (سازمان نظام مهندسی استان فارس)، (۵۵): ۸۸-۹۵.
- اسدپور، علی. ۱۳۸۸. بقعه شاه میر علی بن حمزه (ع) شیراز. فصلنامه اثر، (۴۴): ۲۲-۳۲.
- اسدپور، علی، جاودانی، هانیه. ۱۳۹۱. تحلیل تاریخی _ کالبدی چهارتاقی گهواره دید شیراز. کتاب ماه هنر، (۱۶۳): ۳۶-۴۰.
- بل، سیمون. ۱۳۸۲. منظر؛ الگو، ادراک و فرآیند. ت: دکتر بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تیبالدز، فرانسیس تی. ۱۳۸۵. شهرهای انسان محور. ت: دکتر حسن علی لقابی و فیروزه جدلی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکاوت، کامران. ۱۳۸۵. چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر. فصلنامه آبادی. (۵۳): ۲۶-۳۷.
- سامی، علی. ۱۳۶۳. شیراز شهر جاویدان. چاپ سوم. شیراز: چاپ لوکس.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه شاردن. ت: اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- صداقت کیش، جمشید. ۱۳۸۳. کهن ترین تصاویر فارس (تا قبل از پیدایش دوربین عکاسی). چاپ اول. شیراز: انتشارات تخت جمشید.
- کالن، گوردون. ۱۳۸۲. گزیده منظر شهری. ت: دکتر منوچهر طیبیان. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کلد، برجیت. ۱۳۷۹. نمودار درختی اسکیس. ت: حسین سلطان‌زاده، برگرفته از کتاب آموزش معماران. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گلکار، کورش. ۱۳۸۵. مفهوم منظر شهری. فصلنامه آبادی. (۵۳): ۳۸-۴۷.
- لازتو، پائول. ۱۳۷۷. بیان گرافیکی در طراحی و معماری. به کوشش محمد احمدی‌نژاد. اصفهان: نشر خاک.
- لوکارد، ویلیام کربی. ۱۳۸۷. مهارت‌های ترسیم طرح. ت: حسن سجاد زاده و فائزه سرمدی. اصفهان: نشر خاک.
- مثنوی، محمدرضا. ۱۳۸۷. واژه‌نامه کتاب عناصر طراحی بصری در منظر. نوشته سایمون بل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محملی ایبانه، حمیدرضا. ۱۳۹۰. ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح‌های جامع تهران با تجارب جهانی. فصلنامه باغ نظر. (۱۷): ۹۵-۱۰۴.
- محمودی، سید امیر سعید. ۱۳۸۵. منظر شهری؛ مروری بر چند نظریه. فصلنامه آبادی. (۵۳): ۵۴-۶۱.

- Tok, S. Y., Kaplan, I., & Taneli, Y. (2010). Photography in architectural education: A tool for assessing social aspects of the built environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 2583-2588.
- Ueda, H., Nakajima, T., Takayama, N., Petrova, E., Matsushima, H., Furuya, K., et al. (2012). Landscape image sketches of forests in Japan and Russia. *Forest Policy and Economics*, 19(0), 20-30.
- Zekavat, K. (2007). Charchoub estratejik modiriat basari shahr [Strategic framework of city visual management]. *Abadi*, (53): 26-37.

Reference List

- Alon-Mozes, T. (2006). From "Reading" the Landscape to "Writing" a Garden. *Journal of Landscape Architecture*, 1(1), 30-37.
- Antrop, M., & van Eetvelde, V. (2000). Holistic aspects of suburban landscapes: visual image interpretation and landscape metrics. *Landscape and Urban Planning*, 50, 43-58.
- Asadpour, A. (2008). Bazshenasi- e mehvarhaye Charbagh Shiraz [Recognition of Shiraz Char-Bagh Axis]. *Gozarash*, (55): 88-95.
- Asadpour, A. (2010). Bogheye Shah Mir Ali-ebn-hamzeh Shiraz [Shiraz Shah Mir Ali-ebn-hamzeh mausoleum]. *Asar*, (44): 22-32.
- Asadpour, A., Javdani, H. (2013). Tahlil- e kalbadi- tarikhi- e gahvareh did shiraz [Physical & historical analysis of Shiraz Gahvareh Did]. *Ketab- e Mah- e Honar*, (163): 36-40.
- Brand, D. (2004). Surveys and sketches: 19th century approaches to colonial urban design. *Journal of Urban Design*, 9(2), 153-175.
- Chardin, J. (1994). *Chardin travel*. Translated from English by Yaghmae, E. Tehran: Tous Publication.
- Cold, B. (2001). *Nemudar- e derakhti- e skis* [Tree of the sketch]. Translated from English by Hissein Soltanzadeh. Tehran: Cultural research bureau.
- Collins, B. W. (1965). The New Zealand landscape in art and literature. *New Zealand Journal of Geology and Geophysics*, 8(6), 1274-1288.
- Cullen, G. (2004). *The Concise Townscape*. Translated from English by M. Tabibian. Tehran: University of Tehran.
- Deming, M. E., & Swaffield, S. (2011). *Landscape Architecture Research; Inquiry, Strategy, Design*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Dora, V. D. (2009). Travelling landscape-objects. *Progress in Human Geography*, 33 (3): 334-354.
- Golkar, K. (2007). Mafhum manzare shahri [Meaning of Urbanscape]. *Abadi*, (53):38-47.
- IEMA, & LI. (2002). *Guidelines for Landscape and Visual Impact Assessment*. (Second edition ed.). London: Spon Press.
- Laseau, P. (1999). *Graphic thinking for architects and designers*. Translated from English by Mohamad Ahmadinejad. Isfahan: Khak.
- Lindholm, G. (2011). Visible gestures : on urban landscape perspectives in planning. *Planning Theory*, 11 (1): 1-15.
- Lokard, W. (2009). *Design drawing experiences*. Translated from English by H. Sajadzadeh and F. sarmadi. Isfahan: Khak.
- Lynch, K. (1960). *The Image of The City*. Cambridge: Publication of The Joint Center for Urban Studies.
- Mahmeli Abyaneh, H. (2012). Arzyabi mafhum manzar der tarhaye shahri [Analising concept of landscape in city planning]. *Bagh-e nazar*, (17): 95-104.
- Mahmudi, A. (2007). Manzare shari; morori bar chand nazarie [Urban landscape; the review of some theories]. *Abadi*. (53): 54-61.
- Makhzoumi, J. (2002). Landscape in the Middle East: An inquiry. *Landscape Research*, 27(3), 213-228.
- Martins, L. d. L. (1999). *Mapping tropical waters: British views and visions of Rio de Janeiro*. In D. C. W. Curnow (Ed.), *Mappings* (pp. 148-168). London: Reaktion Books.
- McLoughlin, L. C. (1999). Vegetation in the early landscape art of the Sydney region, Australia: accurate record or artistic licence?. *Landscape Research*, 24(1), 25-47.
- Msnavi, M. (2009). *Glossary of elements of visual design in the landscape*. Written by Simon Bell. Tehran: Tehran University Press.
- Nowak, M. Z. (2003). Searching for legible city form: Kevin Lynch's theory in contemporary perspective. *Journal of Urban Technology*, 10(3), 19-39.
- Owen, S. (2003). The Appearance of English Hill Towns in the Landscape. *Journal of Urban Design*, 8(1), 3-25.
- Owen, S. (2007). Classic English Hill Towns: Ways of Looking at the External Appearance of Settlements. *Journal of Urban Design*, 12(1), 93-116.
- Sami, A. (1985). *Shiraz shahre javidan* [Shiraz; The eternal city]. Shiraz: Loux publication.
- Sedaghatkish, J. (2005). *Kohantarin Tasavire Fars* [The oldest images of the fars]. Shiraz: Takhtegamshid.
- Simon, B. (2004). *Landscape: pattern, perception and process*. Translated from English by Behnaz Aminzadeh. Tehran: University Of Tehran.
- Terkenli, T. S. (2001). Toward a theory of the landscape: the Aegean landscape as cultural image. *Landscape and Urban Planning*, 57, 197-208.
- Tibalds, F. (2007). *Making People-Friendly Towns*. Translated from English by Hassan Laghaee & Firouzeh Jadali. Tehran: University Of Tehran.

An Analysis of Shiraz Large-scale Historical Landscape based on Images Drawn by Foreign Travelers

Mohsen Faizi*
Ali Asadpour**

Abstract

The textual and structural approach to landscape makes it possible to develop a visual analysis of a landscape and its concepts and elements. Conducted in an inductive approach, this study uses historical documents with an exploratory and descriptive strategy to draw results. This research can also be considered a visual study which uses image as an extraction and induction tool. The hypothesis of the research is that Shiraz large-scale historical landscape can be reconstructed based on the qualitative and quantitative analysis of images drawn by foreign travelers in recent centuries. The Shiraz historical landscape can be represented in terms of continuing of features and elements of the images. Shiraz, the capital of Fars province, is one of the oldest cities and the most populous cities of the present Iran. Shiraz has a semi-temperate climate, and in the past its water had been supplied from number of subterranean (Ghanat). Afifabad, Eram, Delgosha, and Bagh-e-Takht are well-known gardens in Shiraz which have a vague but very old history. This paper aims at answering these questions: What components are included in the large-scale historical landscape of Shiraz? How Shiraz large-scale historical landscape has evolved? Which components of Shiraz large-scale historical landscape are more important, and is maintaining them necessary?

However, in the oldest available image of Shiraz, drawn by Andre Dulier-Dealandes in 1664, about 100 years before ruling of Karim khan Zand in Shiraz (1765), an interesting point can be found. Based on Dealandes' illustrations and descriptions, there are lots of cypress trees around Shiraz especially in its northern entrance and west side which has surrounded the city area. This image has been drawn from the north of the city behind Koran gate which gated the way to Isfahan. Jean Charden, a French tourist, who visited Shiraz in 1674; about 10 years after Dealandes, has a picture from the city entrance in which the abundant trees are noticeable. However, in Niebuhr's picture (1765), drawn simultaneous with Kari khan monarchy, there is no sign of preminent gardens leading to the city anymore. Four images drawn by four foreign travelers (Dealandes (1664), Charden (1674), Niebuhr (1765), Brugsch (1860)) were selected to conduct the study. These images included some landscape features of the upper level of the City of Shiraz in 200 years ago. Each image was analyzed in terms of components (natural (basic and secondary) and man-made) and characteristics (detail level) qualitatively and quantitatively. The percentage of each component was calculated and the detail level was analyzed in a trivalent range (high, medium and low).

The results showed that the northern and southern mountains and the gardens leading to the Gate of Quran are the most important natural components of Shiraz large-scale historical landscape drawn with medium or high detail level. The Gate of Quran and the Mausoleum of Ali-Ibn-Hamzeh are the most significant man-made components of Shiraz large-scale historical landscape in the images. The Khoshk River is another key natural element of the city drawn with relatively little details. Shiraz Urban Management should do its best to preserve these components to help maintain the identity of Shiraz historical landscape.

Keywords

large-scale historical landscape, foreign traveler, visual study, itinerary, Shiraz.

*. Ph. D. in Landscape architecture. Associate professor, School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science and Technology.

mfaizi@iust.ac.ir

** . Ph. D. candidate in Landscape architecture, School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science and Technology.
asadpour@iust.ac.ir